

یادداشت

غرب، از لیبرالیسم تا فاشیسم



محسن پاک‌آیین

کارشناس مسائل بین الملل

چند دهه قبل اگر از متفکران لیبرالیسم مانند منتسکیو، جان لاک، دوتوکویل یا ولتر، می پرسیدند که آیا لیبرالیسم به سوی فاشیسم تغییر مسیر خواهد داد، قطعاً با نگاه عاقل اندر سقیه، پرسشگر را تسخیر یا تخطئه می کردند، اما امروز شواهد نظری و رفتاری لیبرالیسم نشان می دهد که این فکر به سرعت در مسیر فاشیسم، تغییر جهت داده است. برخی از شواهد این تغییر به شرح زیر است. فاشیسم به عنوان یک نظریه سیاسی افراطی شناخته می شود که در سال های ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۵ توسط موسولینی، رهبر ایتالیا مطرح شد و یکی از اهداف آن، نادیده گرفتن حقوق بشر و آزادی های دموکراتیک بود. در این روند، پیروان فاشیسم، سیاست های خود را معمولاً در لفاظیه ای از تئوری ها و تبلیغات مبتنی بر تعصب ملی، برای نقض حقوق انسان ها می پوشانند و با حس برتری طلبانه، نوعی از حکومت دیکتاتوری براساس نژادپرستی و رفتارهای افراطی علیه اقوام و نژادهای به اصطلاح دون پایه، ایجاد کردند. امروز هم لیبرالیسم به برتری نژادها اصالت بخشیده و بروز اعتراضات علیه نژادپرستی در آمریکاکه با مرگ جرج فلوید به اوج رسید، نمایش حرکت لیبرالیسم به سوی فاشیسم است و رنگین پوستان و سفید پوستان ترقی خواه، به دنبال ایجاد ساختار عادلانه در آمریکا هستند. یکی دیگر از اصول اساسی فاشیسم، عدم اعتقاد به سودمند بودن صلح و ضرورت جنگ افروزی برای حفظ یا تأمین منافع بود. سیاست خارجی موسولینی با هدف توسعه حوزه نفوذ، جنگ را ضروری می دانست و براین اساس موسولینی در سال ۱۹۲۳ جنگ موسوم به «آرام سازی لیبی» را آغاز کرد. در سال ۱۹۳۶ در جنگ با ایتویپی، مستعمره «آفریقای شرقی ایتالیا» را تسکلیل داد. در سال ۱۹۳۹ نیروهای ایتالیایی آلبانی را اشغال کردند و بین سال های ۱۹۴۶ تا ۱۹۳۹، موسولینی دستور به مداخله نظامی ایتالیا در جنگ داخلی اسپانیا داد.

ایتالیا در دومین جنگ جهانی با حضور در جمع نیروهای محور با آلمان و ژاپن متحد و آغازگر جنگ جهانی دوم شد. ایتالیایی ها به مصر هم یورش بردند و فلسطین و سومالی را بمباران نمودند. امروز نیز پیروان لیبرالیسم با تحریک حمایت از صدام برای حمله به ایران، تهاجم به افغانستان، عراق، لیبی، سومالی و حمایت از جنگ افروزی و نسل کشی اسرائیل علیه مردم فلسطین و جبهه مقاومت، در مقابل برقراری صلح قلم کرده اند. زمانی که صدور قطعنامه های پیشنهادهی شورای امنیت سازمان ملل علیه اسرائیل از سوی آمریکا وتو می شود و چند کشور غربی نسبت به آرای صد و بیست کشور در مجمع عمومی سازمان ملل برای برقراری آتش بس در فلسطین اشغالی، بی تفاوت هستند، حرکت لیبرالیسم در مسیر فاشیسم عریان تر دیده می شود. یکی از اصول اساسی فاشیسم که موسولینی در سال ۱۹۳۲ میلادی ابراز و در دانشنامه ایتالیایثبت شد، کنترل رسانه های گروهی و مقابله با آزادی گردش اطلاعات بود. امروز نیز نهادهای غربی معتقد به لیبرال دموکراسی در آمریکا و اروپا، با مسدود کردن حساب های توییتری، اینستاگرام، فیس بوک و ممانعت از فعالیت خبرگزاری ها و مراکز اطلاع رسانی مخالفین خود، اهداف موسولینی را دنبال می کنند. مسدود کردن وبگاه و حساب های شبکه ی پرس تی وی، حذف این شبکه از ماهواره های بزرگ مثل «یوتل ست»، کشتار خبرنگاران در اراضی اشغالی، اخراج شبکه الجزیره از اسرائیل، حمله نظامی به ساختمان شبکه المپادین و مقابله با خبرنگاران المنار و صدا ه نمونه مشابه، نماد کنترل رسانه ها توسط لیبرال ها و حرکت غرب در مسیر فاشیسم است. فاشیسم بر اساس آموزه های ضد دینی، در سپتامبر ۱۹۳۵ میلادی قوانین جدیدی در آلمان نازی مبنی بر محرومیت یهودیان از حقوق دینی تصویب کرد. در اجرای این قانون مذهبی از یهودیان آلمان سلب شد، خاکام های یهودی، مشاغل خود را از دست دادند و کنترل ایدئولوژیک جامعه در دستور کار فاشیسم قرار گرفت. امروز نیز اسلام ستیزی و محروم کردن مسلمانان از آزادی هایهایی مثل حق داشتن حجاب، محرومیت از تحصیلات عالی، تعطیل کمرکز مراکز اسلامی مسلمانان و... از مظاهر ورود حصلت های فاشیسم در لیبرال دموکراسی است. فاشیسم برای اجرای مقاصد ضد بشری، از گروه های ضربه ای نظیر اس اس ها در آلمان نازی و پیرانه سیاهان در ایتالیا استفاده می کرد. امروز نیز کشورهای غربی با ایجاد، تجهیز و حمایت مالی از گروه های تروریستی مانند داعش و القاعده و بوکو حرام و حتی نیروهای ثنوزاری در اوکراین، همان مسیر فاشیسم را دنبال می کنند. مضاف بر اینکه حمایت از تروریسم دولتی در اسرائیل و سکوت در مقابل ترور رهبران جنبش های ضد اشغالگری در فلسطین و لبنان نیز از نمادهای فاشیستی لیبرالیسم است. فاشیسم در حوزه اقتصادی نیز طرفدار رفتارهای طبقاتی و تمرکزگرایانه بود، در تفکر فاشیسم، سرمایه داری و ضعیف را به منزله خطری برای سرمایه داران تلقی می شد. امروز هم هرگاه غول های صنعت و تجارت در کشورهای معتقد به لیبرالیسم از ناحیه طبقات زبردست خود احساس خطر کنند، به افراطی گری و فاشیسم روی می آورند. انتخابات چند دوره اخیر در آمریکا نشان می دهد همواره کسب و کارهای تجاری و اقتصادی نقش تعیین کننده ای در به قدرت رسیدن روسای جمهور و نمایندگان کنگره داشته است. امروز باید باور کرد که تاریخ اقتضای لیبرالیسم رو به پایان بوده و این فکر که همانند فاشیسم به دنبال حذف دیکتاتوری جهانی است، موجب اتحاد چند جانبه گرایان علیه یکجانبه گرایی و استقرار نظم جدیدی در جهان خواهد شد.

مصطفی هاشمی طبار در گفت وگو با «آرمان ملی»:

تراپ احتمالاً مذاکرات ایران و غرب رابه بن بست می کشاند

مسیری که پزشکیان در پیش گرفته نسبت به

گذشته تغییر نکرده است

سیاست ها و اخلاق تراپ نسبت به گذشته تغییر

نخواهد کرد

«آرمان ملی»- احسان انصاری: **پزشکیان با به قدرت رسیدن مجدد تراپ چه خواهد کرد؟ آیا ترامپی که امروز به قدرت رسیده با ترامپی که در سال ۲۰۱۶ به قدرت رسید متفاوت است؟ مذاکرات ایران و غرب با روی کار آمدن تراپ چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد؟ در صورتی که مذاکرات به نتیجه نرسد و تحریم ها لغو نشود دولت پزشکیان چگونه می تواند وضعیت اقتصادی کشور را بهبود بخشند؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با مهندس سیدمصطفی هاشمی طبا معاون رئیس جمهور در دولت اصلاحات گفت وگو کرده است. هاشمی طبا در این زمینه معتقد است: «ما هنوز کاملاً مشخص نکرده ایم که از تقابل با آمریکا دنبال چه اهدافی هستیم و قرار است به چه چیزی برسیم. اینکه عنوان می شود ممکن است دولت پزشکیان رویکرد جدیدی در پیش بگیرد واقع بیثانه نیست. آقای پزشکیان بدون رضایت**

ایران در مقابل به قدرت رسیدن مجدد تراپ چه رویکردی در پیش خواهد گرفت؟

من فکر می کنیم ایران در رویکردی که در مقابل آمریکا در پیش گرفته تغییر نخواهد داد. ما هنوز کاملاً مشخص نکرده ایم که از تقابل با آمریکا دنبال چه اهدافی هستیم و قرار است به چه چیزی برسیم. اینکه عنوان می شود ممکن است دولت پزشکیان رویکرد جدیدی در پیش بگیرد واقع بیثانه نیست. آقای پزشکیان بدون رضایت سطوح بالای مدیریت و تصمیم گیری کشور نمی تواند کار خاصی انجام دهد. همان طور که در گذشته هم شاهد بوده ایم، دولت پزشکیان در اینکه باید در مقابل آمریکا چه رویکردی در پیش گرفت، تصمیم گیرنده اصلی نیست و این موضوع در حیطه اختیارات لایه دیگری از مدیریت کشور است. در چهار دهه گذشته فضای تقابلی و تخصصی وجود داشته که در ساحت های مختلف زندگی مردم تأثیر گذاشته است. به چهار سال گذشته آمریکا مرتب ایران را تهدید و تحریم کرده و در مقابل آن، مردم خشم خود را در خیابان ها با مرگ بر آمریکا نشان داده اند. تا زمانی که تقابل و تخصص چنین صریح و رودررو باشد، نمی توان انتظار داشت که شرایط به سرعت تغییر کند تا طرفین ماجرا بتوانند برای بلندمدت تصمیم گیری اصولی داشته باشند. در سال های اخیر واسطه هایی بین ایران و آمریکا وجود داشته و پیام های بین طرفین رد و بدل شده است. با این وجود با رفت و آمد واسطه ها اتفاق خاصی در روابط ایران و آمریکا رخ نخواهد داد. دولت پزشکیان برای اینکه بتواند تعاملی مبتنی بر اصول با دیگر کشورها داشته باشد، لازم است مسیر و برنامه های خود را روشن کند. دولت می تواند در اتخاذ روش های جدید ابتکار عمل داشته باشد و رویکردی متفاوت از گذشته را در پیش بگیرد، اما در هر حال موانع مهمی در مقابل دولت قرار دارد که ریشه در گذشته دارد و به همین دلیل نمی توان انتظار داشت پزشکیان به یک باره چالش بین ایران و آمریکا را حل کند.

یعنی شرایط به وجود نخواهد آمد که پزشکیان به سمت مذاکره با تراپ حرکت کنند؟ زمینه های این اتفاق چگونه فراهم خواهد شد؟

اگر دولت روش جدیدی با برنامه جدیدی برای مواجهه با این موضوع ارائه ندهد، این اتفاق رخ نخواهد داد و نمی توان شرایطی را تصور کرد که مذاکره صورت می گیرد. شاید بتوان گفت برای اینکه دو کشور با هم گفت وگو کنند، لازم است ابتدا در سطح کلام از تنش بیشتر صرف نظر شود. اما نمی توان فراموش کرد که وقتی فضای دیگری و تنش بین دو کشور وجود دارد که چند دهه نیز طول کشیده، بعید به نظر می رسد که در چند ماه به توافق نزدیک شد و منظور البته توافقی مبتنی بر منافع ملی است. نکته دیگر اینکه ما در سال ۲۰۱۵ با کشورهای اروپایی و آمریکا قرارداد و توافقنامه مذاکره ایم و همین رئیس جمهور آمریکا به محض اینکه در قدرت به ثبات رسید، قرارداد را باطل اعلام کرد و بعد هم با گستاخی عنوان کرد که دوباره مذاکره کنیم تا توافقی که مورد نظر ماست بسته شود. این یک اتفاق ناخوشایند است و به هیچ عنوان نمی توان از آن دفاع کرد. اینکه فردی مانند تراپ امضای رئیس جمهور قانونی و رسمی آمریکا را قبول

یک فعال سیاسی اصلاح طلب اظهار کرد: من اطلاع دارم که قانونی تحت عنوان عدم به کارگیری افراد در مشاغل حساس باعث شده از حضور بسیاری از مدیران و حتی استانداران جلوگیری شود و استعلام برخی را با تاخیر پاسخ می دهند یا پاسخ نمی دهند. همین حرف ها و بهانه ها را در روزنامه ها و رسانه های تندرو می بینیم.

معنای وفاق این نیست که افراد فقط از اردوگاه رقیب یعنی به دولت آقای پزشکیان بیایند. نیروهایی که طرفدار آقای پزشکیان هستند و کسانی که در ستاد ایشان فعال



سطوح بالای مدیریت و تصمیم گیری کشور نمی تواند کار خاصی انجام دهد.

همان طور که در گذشته هم شاهد بوده ایم، دولت پزشکیان در اینکه باید در مقابل آمریکا چه رویکردی در پیش گرفت، تصمیم گیرنده اصلی نیست و این موضوع در حیطه اختیارات لایه دیگری از مدیریت کشور است. در چهار دهه گذشته فضای تقابلی و تخصصی وجود داشته که در ساحت های مختلف زندگی مردم تأثیر گذاشته است. در چهل سال گذشته آمریکا مرتب ایران را تهدید و تحریم کرده و در مقابل آن، مردم خشم خود را در خیابان ها با مرگ بر آمریکا نشان داده اند. تا زمانی که تقابل و تخصص چنین صریح و رودررو باشد، نمی توان انتظار داشت که شرایط به سرعت تغییر کند تا طرفین ماجرا بتوانند برای بلندمدت تصمیم گیری اصولی داشته باشند.» در ادامه ما حاصل این گفت وگو را می خوانید.

و زنده انجام داد که انسان تأسف می خورد چگونه چنین فردی قرار است به عنوان رئیس جمهور آمریکا فعالیت کند.

در صورتی که تراپ براساس آنچه عنوان کرده به دنبال فشار حداکثری بر ایران باشد و پزشکیان نیز نتواند تحریم ها را لغو کند اقتصاد ایران در آینده چه وضعیتی را تجربه خواهد کرد؟

بخش مهم از مشکل اقتصاد ایران، خارجی نیست، بلکه آنچه باعث شده اقتصاد ما ضعیف شود هرج و مرج در تصمیم گیری و سوء مدیریت بوده است. ریخت و پاش ها در اقتصاد ایران به اندازه ای است که اگر این وضعیت وجود نداشته باشد ما سالانه در حدود ۱۵ میلیارد بود چه خواهیم داشت که می توانیم در رفع مشکلات مختلف از آنها استفاده کرد. در واقع ما سالانه ۱۵ میلیارد دلار سرمایه کشور را هدر می دهیم. این آمار به خوبی نشان می دهد که اگر قرار است وضعیت اقتصاد کشور بهبود پیدا کند باید جلوی این ریخت و پاش های بیپوده گرفته شود. واقعیت غیر قابل انکار این است که به اندازه ای که سیاست های اشتباه داخلی به ما ضربه زده است تحریم ها و فشار های بین المللی ضربه زده است. اگر قرار است آقای پزشکیان اقدام موثری در این زمینه انجام بدد باید جلوی این ریخت و پاش ها و هدر رفتن سرمایه های کشور را بگیرد. از سوی دیگر سیاست های اقتصادی اشتباه گذشته را تصحیح کند. تنها در چنین شرایطی است که می توان نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی کشور خوشبین بود.

آیا مدیران و به خصوص استاندارانی که پزشکیان برای فعالیت در دولت چهاردهم انتخاب کرده از چنین ظرفیتی برخوردار هستند که بتوانند سیاست های داخلی را اصلاح کنند؟

من زیاد مدیران و استاندارانی را که انتخاب شده اند، مقصر نمی دانم و معتمد رئیس جمهور باید روش اصلاحی را در پیش بگیرد که البته هنوز عمل خاصی در این رابطه دیده نمی شود. تا زمانی نیز که روش اصلاحی وجود نداشته باشد، نمی توان نسبت به تغییر وضعیت زندگی مردم اطمینان داشت. اگر روش دولت مطابق روش دولت های گذشته باشد، اگر نتواند روش و برنامه جدیدی براساس نیازها و امکانات کشور ارائه دهد، تغییر وضعیت بسیار دشوار خواهد بود و شاید بتوان گفت که چشم اندازها هم آنقدرها روشن نخواهد بود. با چیزی که تا امروز دیده می شود، فکر می کنم ریل گذاری مدیریت کشور تغییر نکرده و همان روش و منش گذشته ادامه داشته است. این یکسانی روش با گذشته فقط در دولت دیده نمی شود، در مجلس هم وضع همین است. آیا شما در روند مجلس تغییری مشاهده می کنید؟ من تغییری نمی بینم و معتمد این مجلس با مجالس گذشته تفاوت چندانی ندارد. اگر نگوئیم حتی که در برخی موضع گیری ها ضعیف تر از قبل عمل کرده است. این وضعیت درباره برنامه توسعه هفتم نیز وجود دارد و به رغم اینکه در آن نکات مثبتی نوشته شده، اما هنوز عملی نشده و به نظر می رسد در آینده نیز بسیار سخت بتوان آن را عملی کرد. آنچه دیده می شود، موانعی است که سر راه این برنامه وجود دارد.

سیدمحمود میرلوحی؛

مشکلات کشور بان شاء... وما شاء... حل نمی شود

هستند بعضا رد صلاحیت شدند و یا نمی گذارند کار کنند و متأسفانه رقباً در این موارد به طور کامل از ابزارشان استفاده می کنند. سید محمود میر لوحی گفت: وفاق به معنای این است که همه با هم باشیم اما جریان رقیب با ابزاری که در اختیار دارد می گوید همه با من و آن هایی که من

تلنگر

گفت وگوی پزشکیان و بن سلمان

بر سر صلح در منطقه

ادامه از صفحه ۲ |
محمد رضا عارف ۲۱ آبان ۱۴۰۳ در دومین نشست اضطراری سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب که به پیشنهاد ایران با هدف پایان جنگ و خوتریزی در لبنان و فلسطین، در ریاض برگزار شد، از اقدام شایسته دولت عربستان سعودی برای برگزاری این نشست مهم در شرایط حساس منطقه قدرانی کرد و ضمن درود فرستادن بر ارواح شهدای مقاومت، با تنقیح ظلم و تجاوز و نسل کشی، بر حق تعیین سرنوشت ملت ستم دیده فلسطین تأکید کرد و گفت: بی تفاوتی در برابر ظلم و تجاوز و بی عدالتی موجب بی عملی و انفعال می شود و بی عملی که نوعی قصور اخلاقی است، باعث جری تر شدن جنایتکار خواهد شد. همه ما وظیفه و مسئولیت اخلاقی داریم که در قبال یکی از بدترین شرارت های به جای مانده از قرن گذشته، یعنی اشغالگری خونین سرزمین فلسطین و آوارگی و نسل کشی ادامه دار یک ملت، سکوت نکنیم. وی جنایاتی که بیش از یک سال اخیر در فلسطین اشغالی واز یک ماه گذشته در لبنان در جریان است را فاجعه ای شرم آور خواند و گفت: این فاجعه فقط محصول قساوت و خودبرتربنداری یک موجودیت اشغالگر آبرناپد نیست، بلکه نتیجه «احساس بی کفبری» جنایتکارانی است که خود را در هر حالت مستظهر به حمایت بی چون و چرای آمریکا و چند دولت غربی دیگر می دانند. وی بی میلی یا ناتوانی سازمان ملل متحد و دیگر نژادهای به اصطلاح حقوق بشری برای اتخاذ تدابیر موثر جهت توقف نسل کشی فلسطینیان را نشانه بارز «بی تفاوتی» تحمیل شده بر جامعه بین المللی در مقابل کشته شدن بیش از ۵۰هزار انسان بی گناه و جنایات ارتكابی رژیم صهیونیستی در لبنان با مشارکت سیاسی، مالی، اطلاعاتی و نظامی آمریکا عنوان کرد و گفت: دولت آمریکا پشتیبان اصلی اقدامات رژیم صهیونیستی است و جهان منتظر وعده دولت جدید این کشور برای توقف فوری جنگ علیه مردم بی گناه غزه و لبنان است. تجربه زیست تحمیلی هشتاد ساله این رژیم جعلی نشان می دهد که طرحان و سرگردگان این موجودیت، بقا و دوام خود را در وجود هرج و مرج، آشوب و جنگ در داخل سرزمین های اشغالی و در منطقه پیرامونی تعریف کرده اند. معاون اول رئیس جمهوری اسلامی ایران مسامحه در برابر اقدامات تروریستی رژیم اسرائیل را موجب بی اعتبار شدن همه قواعد و هنجارهای زیست مسالمت آمیز بین المللی دانست و گفت: عملیات هایی که با عبارت ظاهر فریبی همچون «قتل هدفمند، مفهوم سازی می شوند، وطی آن تحقیقات و بهرمان فلسطینی و دیگر کشورهای منطقه، یگی یکی یا دسته جمعی، به قتل می رسند، چیزی نیست جز قانون شکنی و تروریسم سازمان یافته و تبدیل دستگاه های امنیتی به ابزار قتل و کشتار رهبران و اتباع کشورها. وی، سازوکارهای سازمان ملل متحد و شورای امنیت را به واسطه حمایت تمام عیار و بی قید و شرط آمریکا و چند دولت غربی از رژیم اشغالگر، ناتوان از پایان دادن به نسل کشی فلسطینیان و کشتار وسیع مردم لبنان دانست و عنوان کرد: در چنین زمانه ای مسئولیت مابه عنوان روسای کشورهای اسلامی و عربی چند برابر می شود. رژیم اشغالگر با بی شرمی تمام، این تنها تمامی اصول و قواعد حقوق بین الملل بلکه اصول و قواعد انسانیت را نقض می کند. منشور ملل متحد را در مجمع عمومی یاره می کند، دبیرکل سازمان ملل متحد را عنصر نامطلوب اعلام می کند و حقوق بین الملل را به سرخه می گیرد. وی با تأکید دوباره بر مسئولیت سنگین کشورهای اسلامی و عربی در این شرایط، خواستار تصمیم قاطع و اقدام جمعی در راستای پایان دادن به جنایات رژیم اشاگر شد و توقف جنایات رژیم اشغالگر؛ انجام تدابیر لازم جهت اطمینان از عدم تکرار این جنایات؛ جبران مناسب خسارات وارده به مردم فلسطین و لبنان به واسطه جنایات رژیم اشغالگر را سه هدف اصلی این اقدامات قرار داد. برقراری آتش بس فوری در غزه و لبنان، هماهنگی فوری در سطح بین المللی برای توزیع سریع و بدون محدودیت کمک های انسان دوستانه اضطراری میان جمعیت آسیب دیده از تجاوزات رژیم صهیونیستی در فلسطین و لبنان، برنامه ریزی واقدام برای بازسازی زیرساخت های حیاتی و بهبود خدمات بهداشتی در غزه و لبنان، حداقل کاری است که باید انجام دهیم. عارف محکومیت قاطعانه جنایات رژیم اشغالگر و تجدید حمایت جدی از آرمان فلسطین را خواستار شد و ابزار امیدواری کرد که این نشست در جهت تحکیم موضعی واحد در برابر تجاوزات رژیم با اتخاذ گام هایی موثر و هماهنگ در مسیر اصول و تعهداتی که برشمرد، حرکت کند. وی در پایان با این عنوان که «ما باید بر پیمان خویش با مردم فلسطین، پایدار بمانیم»، راهکار پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران را برگزاری یک همه پرسی در میان تمامی فلسطینیان، اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی براساس هر فلسطینی- یک رای را ارائه کرد و افزود: به نظر می رسد کماکان تنها راهکار دموکراتیک حل و فصل دائمی موضوع فلسطین و بازرگاندن حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین همین گیری حسن برادری و دوری از تفرقه و سوء نطی میان کشورهای مسلمان راراهبردی کلان بران مقابله بادسیسه های بدخواهان بر ضد جوامع اسلامی می داند.